

## غافلگیری دشمن در عملیات والفجر ۸

گزیده اسناد عملیات والفجر ۸، جلد ۵، سند شماره ۰۱۲۶۳۸،  
آرشیو مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

### اشاره

در ارزیابی عملیات‌های نظامی، میزان رعایت اصل غافلگیری دشمن یکی از فاکتورهای اساسی محسوب می‌شود. رعایت اصل غافلگیری در تضمین ضریب موفقیت عملیات، کاهش تلفات نیروهای خودی و افزایش تلفات دشمن تأثیر مستقیمی دارد. در واقع، این اصل ترکیبی از حفاظت اطلاعات و عملیات فریب است که از این نظر، عملیات والفجر ۸ یکی از موفق‌ترین عملیات‌های نظامی ایران محسوب می‌شود، چرا که در جریان این عملیات، دشمن کاملاً غافلگیر شد و در شرایطی که انتظار اجرای عملیات از منطقه جزایر مجنون و ام‌الرصاص را داشت، در برابر عملیات ایران در منطقه فاو تا چند روز، ابتکار عمل را از دست داد. سند زیر گزارشی از میزان غافلگیری ارتش عراق در عملیات والفجر ۸ است.

### مقدمه

ساعت ۲۲ روز ۶۴/۱۷۲۰، عملیات والفجر ۸ با رمز یا فاطمه زهرا (س) آغاز شد. طبق شواهد موجود و اظهارات اسیران، دشمن تا دو ساعت پیش از عملیات نسبت به این منطقه حساسیت جدی و بالایی نداشته است. البته، احتمال تک فریب (کل اروند) نیروهای اسلام در این منطقه را ضعیف و تک اصلی در مناطقی، همچون جناح جنوبی حوزه استحفاظی سپاه چهارم و شرق دجله و زید تا شلمچه را قوی می‌دانسته است؛ بدین ترتیب، می‌بینیم که برخورد دشمن در آغاز عملیات در راستای وارد کردن [یگان‌های] تقویتی به منطقه، بدون تدبیر صحیح و اصولی صورت

گرفت و پس از آغاز عملیات، به دو دلیل یگان‌های اصلی خود را به طور کامل به منطقه وارد نکرد؛ زیرا، هنوز نسبت به اهداف یا اصلی و فریب بودن تک نیروهای اسلام اطمینان کامل حاصل نکرده بود و چنین می‌پنداشت که ما خواستار کشاندن تمامی نیروهایش به این منطقه برای انجام عملیات گسترده در مناطق یاد شده هستیم.

دیگر آن که وضعیت زمین منطقه عملیاتی والفجر ۸، به شکلی بود که اجازه مانور به تمامی یگان‌های پیاده، زرهی و مکانیزه را به صورت انبوه نمی‌داد؛ بنابراین، به اجبار برای وارد کردن یگان‌های مزبور به منطقه به منظور مقابله با رزمندگان اسلام با مشکل روبه‌رو شد [...].

یک ساعت پیش از تک نیروهای کفرستیز اسلام، دشمن به پرتاب منورهای مختلف از نوع سبز، زرد و قرمز اقدام کرد که به هنگام زدن منور قرمز، تک نیروهای اسلام آغاز شد و طبق اظهارات فرماندهی تیپ ۱۱۱، این فرمانده طی تماسی با فرمانده لشکر، اعلام می‌کند که نیروهای اسلام به بعضی از گردان‌هایش حمله کرده‌اند. البته، پس از پایان ارتباط با فرمانده لشکر، دوباره با گردان‌های خود ارتباط برقرار می‌کند، اما در این حین، تماسش با گردان مزبور قطع می‌شود. فرمانده مزبور طی تماس مجدد با فرماندهی لشکر گزارش جدید را ارائه می‌دهد و فرمانده به او می‌گوید: «ما با سپاه هفتم تماس گرفته‌ایم. شما مقاومت کنید تا نیروهای کمکی برسند؛ بنابراین، گردانی که به

مؤثر توپخانه خودی و نیروهای پیاده روبه رو، مجدداً تلفاتی را متحمل می شوند و تجهیزاتشان منهدم می گردد. بدین ترتیب، از این زمان به بعد، دشمن آگاهی دشمن نسبت به وسعت تک نیروهای خودی بیشتر می شود و تصمیم به اجرای پاتک های بازدارنده در سه محور اصلی، یعنی ۱) جاده الحار تا کناره اروند؛ ۲) جاده استراتژیک (فاو - بصره) ۳) جاده فاو - ام القصر می گیرد [...].

در مجموع، میزان اطلاعات دشمن یعنی تا آغاز عملیات والفجر ۸ به ترتیب زیر بوده است:

- ۱) نسبت به یگان های موجود در منطقه صفر درصد؛
  - ۲) نسبت به فعالیت های مهندسی نیروهای خودی ۴۰ الی ۵۰ درصد؛ و
  - ۳) نسبت به تک نیروهای اسلام در این منطقه ۱۰٪
- میزان حساسیت آن نسبت به منطقه عملیاتی والفجر ۸ تا زمان آغاز عملیات نیز به این ترتیب بوده است:
- ۱) شهر فاو، معامر و خور معامر در اولویت نخست؛
  - ۲) راس البیشه در اولویت پنجم؛
  - ۳) از طریق خور عبدالله به سمت پایگاه موشکی مستطیل شکل اولویت دوم تا پنجم؛
  - ۴) جزیره فداقیه اولویت سوم؛ و
  - ۵) الدویب و کوت البندر در اولویت چهارم.
- توضیح این که دشمن به مناطق مزبور و اولویت بندی آن، تنها در ارتباط با تک نفوذی یا احتمالاً محدود

قرارگاه فرمانده تیپ نزدیک بود و با آن تماس داشت، (خط حد لشکر ۷ ولیعصر) طی دو روز بعد از آغاز عملیات، به شدت مقاومت می کند، اما دیگر نیروها به علت دور بودن از قرارگاه فرمانده تیپ و قطع تماس با آن چندان مقاومت نمی کنند و بیشتر آنها یا کشته و زخمی می شوند یا فرار می کنند. به طور کلی، می توان گفت دشمن به علت غافلگیر شدن مقاومت نمی کند و از آن جا که در مناطق دیگر، همچون ام الرصاص و شلمچه با نیروهای خودی درگیر شده بود، سردرگم در پی کشف تک اصلی بر می آید؛ بنابراین، می بینیم که بعد از اعلام فرمانده تیپ ۱۱۱ و ۱۱۰، مبنی بر این که نیروهای اسلام به آنها تک کرده اند، تنها به تیپ ۶۵ نیروی مخصوص مأموریت داده می شود که به سرعت، خود را برای جلوگیری از نفوذ نیروهای ایرانی به منطقه فاو برساند. به علت آگاه نبودن به وضعیت سرزمین منطقه سراسیمه وارد منطقه می شود و از طریق جاده استراتژیک فاو - بصره با نیروهای اسلام برخورد می کند؛ اقدامی که باعث می شود تارزمنندگان اسلام تلفاتی را به آنها وارد آورند و خودروهایشان را منهدم کنند.

سپس، زمانی که دشمن متوجه حرکت وسیع ما در این منطقه می شود، بدون تدبیر درستی، با اتخاذ تصمیمات عجولانه به سرازیر کردن واحدهایی از لشکر گارد جمهوری و تیپ های کماندویی برای جلوگیری از پیشروی نیروهای اسلام اقدام می کند که با آتش پرحجم و





استحفاظی لشکر ۲۶ به انجام تک فریب برای مقاصد اصلی خود اقدام می کنند. البته، چند تن از فرماندهان دشمن - که احتمالاً فرمانده تیپ ۱۱۱ یکی از آنها بوده است - نظرات مخالفی را مبنی بر این که نیروهای اسلام احتمالاً تک گسترده‌ای، در این منطقه انجام خواهد داد، داشته‌اند که به علت نداشتن دلایل کافی از آنها پذیرفته نشده است [...].

حساسیت پیدا کرده بود. البته، باید این نکته را یادآور شد که دلایل حساسیت دشمن یکی، فعالیت شدید نیروهای مهندسی و دیگری، تردد بیش از حد بر روی دکل‌های دیده‌بانی و دیدگاه‌های در خط و ثبت تیر توپخانه خودی در چند مورد بود که به دنبال آنها، ده الی پانزده روز پیش از آغاز عملیات، جلسه‌ای با حضور فرماندهان سپاه هفتم و لشکر ۲۶ تشکیل می شود که پس از بحث‌های بسیار نتیجه این شد که به احتمال ضعیف، نیروهای اسلام در منطقه

